

بسم الله
الرحمن
الرحيم

اتحاديه
انجمن های
اسلامی
دانش آموزان
استان
گلستان

ویژه
دوازدهمین
دوره برگزاری
نمایشگاه های
دانش آموزی
مدرسه
انقلاب

#دیروز

تاریخ استعمار

قسمت اول





سرگذشتی که از سر ما مردم دنیا گذشته
هم ماجرای دارد
سرگذشت ملت ها
سرگذشت اقوام
سرگذشت کشورها
و سرگذشت های دیگه
یکی از این ماجراهای تاریخ بشر که
سرگذشت عجیبی داره، سرگذشت
استعمار هست...

های خدادادی رو که کسی نمیره غارت کنه!
گرفتی؟!
پس این شد یه شرط...
شرط دوم اینکه استعمارگر باید زورش هم
برسه و غلبه کنه...
به هر حال به طور طبیعی و معقول
هیچکس به غارتگر نمیگه بفرما!
در خدمتیم!
درگیر میشه باهاش...

حالا تو این درگیری اگه اون استعمارگره
غلبه کنه اختیار رو میگیره دستش و
غارتش رو به سبک خودش شروع میکنه...

ولی اگه غلبه نکرد و مردم اون منطقه
جلوش و ایستادن دیگه اینجا طرف دمش
رو میذاره رو کولش و میره و بیخیال
استعمارگری میشه...
شرط سوم هم اینه که استعمارگر باید
بی وجدان باشه و به هیچ اصول دینی
و اخلاقی و انسانی هم اعتقاد نداشته
باشه...
همینه دیگه...

چون یه آدم با وجدان حتی اگه زورش هم
برسه بازم استعمار نمیکنه
پس شد این سه تا:
یک) جذابیت منطقه ی هدف، برای
استعمارگر
دو) قدرت و غلبه و زور استعمارگر
سه) بی اعتقادی به ارزش های دینی،
اخلاقی و انسانی

خب الحمدلله در یک برهه ای از تاریخ هر
سه شرط رو بعضی از کشورهای اروپایی

استعماری یعنی فرایند غارت یک قوم، قبیله،
منطقه یا کشور دیگه، به جهت تامین
منافع استعمارگر

می دونی این پدیده زشت چه وقتی شکل
میگیره؟
شکل گرفتنش چند تا شرط داره
اولی ش اینه که نقطه هدف (اون منطقه)
برای استعمارگر هوس انگیزناک! و جذاب
باشه!!
می دونی...

یه جایی اگه قراره استعمار بشه باید یه
چیزی داشته باشه دیگه
یه زمین حاصلخیزی
یه معدنی
طلایی
نفتی
موقعیت جغرافیایی خوبی
چیزی باید داشته باشه
وگرنه کسی حس استعمارش نمیاد!!!
یه منطقه خالی از ثروت و ارزش و نعمت



خب اینجا به سری مشکلاتی بود
مثلا تجارت ادویه به طور کلی دست ونیزی
ها بود...
برای کشورهای غربی اروپا به صرفه تر این
بود که خودشون به مسیر تجاری داشته
باشه و این تجارت رو به نحوی اونها هم
دست بگیرن...

یه مشکل دیگه هم اون موقع این بود که
بخشی از مسیر راه ابریشم به دلیل تنش
هایی که بین امپراتوری عثمانی و برخی
کشورهای اروپایی وجود داشت توسط
امپراتوری عثمانی بسته شد و دست
اروپایی ها موند توی حنا!



تحریم می تونه تهدید باشه... می تونه
فرصت هم باشه
این تحریم رو به فرصت تبدیل کردند و
رفتند سراغ مسیرهای جایگزین
هر چند این مسیرهای جایگزین طولانی
تر بود و خطرات بیشتری داشت اما به

داشتن!!!

توجه شون جلب شده بود به یه نقطه از
دنیا
زور نظامی و قدرت کشتی رانی و استفاده از
باروت و سلاح های آتشین هم داشتن
وجدان هم نداشتن
این شد که در قرن 15 رفته رفته حالت
جدید گرفتن به خودشون
یه جاهای خوشگل و پر ثروتی رو اروپایی
های بی وجدان پیدا کردند که از قضا
زورشون هم می رسید اشغال کنن
اون موقع ها بعضی از این کشورهای
اروپایی اندازه همین تصویر از دنیا رو دیده
بودن و می شناختن



اما بعد اینکه حرکت های دریایی شون رو
شروع کردن دیدن یه جاهای جدیدتری هم
هست توی عالم
البته شروع کردن این حرکت ها دلایلی هم
داشت
قدیمای اروپایی ها از این مسیر با آسیا و
آسیای شرقی تجارت می کردن
کالایی مثل ابریشم و ادویه و... جزو اقلام
اصلی بود
به همین دلیل به این مسیر قرمز رنگ توی
نقشه می گفتن راه ابریشم



تلاش کردن که از یه مسیر دیگه ای برن آسیا (مثلا هند و چین و ...) و نیازهاشون رو تامین کنن
این مسیر جایگزینی که انتخاب کردن یه مسیر دریایی بود. زدن به دل دریا

دو تا قدرت داشتن که کمک شون کرد قدرت نظامی (باروت و چیزای دیگه) و قدرت دریایی و کشتیرانی که بهشون توان دریانوردی میداد
قرار شد از حاشیه غربی آفریقا بیان پایین و پایین تر تا به انتهای آفریقا برسن بعد آفریقا رو دور بزنین برن سمت شرق آسیا
خب این فرایند حدود 80 سال طول کشید!

فکر نکنید یه شبه تونستن نه

کار راحتی نبود

اروپایی ها اطلاع شون در مورد جهان اندازه همون نقشه ای بود که بهتون صفحات قبل نشون دادم

دست به عصا و آروم آروم می رفتن جلو

چون نمی دونستن جلوتر چه خبره

برای همین جای تعجب نداره که اینقدر طول کشیده باشه

ولی در نهایت راهی که قبلا به روشون بسته بود حالا باز شد و تونستن به هند برسن

هر حال خطر کردند و رفتند سراغ این مسیرهای جدید

تا اینجا مشکلی نیست

این خیلی خوبه که آدم تلاش کنه نیازهاش رو تامین کنه و موقعیت جدید ایجاد کنه اما اینها از این موقعیت جدیدی که درست کردند، سوء استفاده کردند...

ای کاش تجارت می کردند نه غارت و استعمار

اون موقع بود که براشون دست می زدیم و می گفتیم احسنت

احسنت که تلاش کردید، تحریم رو به فرصت تبدیل کردید و موقعیت جدیدی ایجاد کردید

اما با توجه به مسیری که در پیش گرفتن دیگه همیشه احسنت گفت بهشون

ایجاد موقعیت و تلاش در جهت غارت ملت ها واقعا دیگه احسنت نداره!

نمیشه از بدبخت شدن ملت ها و ظلم به اون ها خوشحال شد!!

برای این ها سود ظاهری که از غارت و استعمار به دست میومد خیلی بیشتر از

سودی بود که از تجارت به دست میومد

به همین علت باید گفت یکی از مهم ترین ریشه های استعمار و غارت، تمایل به

داشتن ثروت و قدرت بیشتر بود

خب، حالا بریم سراغ جزئیات بیشتر ماجرا اینکه این کدوم کشورها این کارها رو شروع

کردن و چجوری ادامه پیدا کرد

زودتر از همه پرتغالی ها پیشگام شدن

حرکت های دریایی رو آغاز کردن

ویژه ای در ایجاد دژهای استعماری پرتغالی ها در آسیا داشت بعد از تسخیر گوا (منطقه ای در هند)، در گزارش خودش به لیسبون (مرکز پرتغال) می‌گه که نزدیک شش هزار مسلمان رو در گوا کشته و مردان و زنانی که در مسجد پناه گرفته بودن رو زنده زنده سوزونده!

برده داری هاشون و تجارت برده ای که میکردن هم به جای خود...

کلا این استعمارگرا در موضوع برده و برده داری کارنامه درخشانی دارن!!

چه سختی های عجیب و غریبی بر این انسان ها که به بردگی استعمارگرا درمیومدن گذشت...

حالا جلوتر باز مفصل تر می‌گم بهت

تو اون دورانی که پرتغالی ها در تکاپوی رسیدن به هند بودن و هنوز چند سالی مونده بود که به هند برسن قبل از اونا یه شخصی پیدا شد به نام کریستوف کلمب این شخص یه مسیر دیگه ای رو طی کرده بود

گفت میرم سمت غرب از اون طرف زمین رو دور می‌زنم میرسم به آسیا

این ایده رو چند جا مطرح کرد

این درو اون در زد که کارش رو انجام بده در نهایت بین کشورهای مختلف، دربار اسپانیا راضی شد که کشتی و امکانات لازم رو در اختیارش بذاره و ازش در این سفر پشتیبانی کنه

و بیچاره هند...

مسیر حرکت و رسیدن به هند رو توی تصویر زیر می‌تونید ببینید



خب برسن ... حالا که چی؟

خدمت شما عرض شود که اینا وقتی رسیدن حرکت زیاد زدن

چه توی مسیر رسیدن به هند (کشورهای آفریقایی)

چه توی خود هند

چه جزایر و مناطق اطراف هند

و حتی بعدها در قاره آمریکا (برزیل)

یه قلم از جنایتی که همین واسکو دو گاما کرد این بود که کشتی حاجی که داشتن برمی‌گشتن از مکه رو توی آب با 400 نفر از اعضااش، زن و مرد و بچه، همه رو آتیش زد!!



کم ازین کارا نکردن

شخص دیگه ای به نام آلبوکرک که نقش

با هم میریم که در قسمت بعد به ادامه ماجرا پردازیم

ظاهراً هر وسیله ای مجاز بود. حریق و کشتار گروهی، ویران کردن شهرهای بزرگ، سوزاندن کشتیها با سرنشینان آنها، سلاخی اسیران، که دستها و بینیها و گوشهایشان را به نشانه تمسخر برای پادشاهان "وحشی" میفرستادند؛ این بود دلاوریهای "شهبسوار مسیح"! او تنها یکی از برهنههایی را که به همان گونه مثله شده بود زنده گذاشت، زیرا این برهنه می بایست نشانه های پیروزی هولناک را به گوش حاکمان محلی برساند.

مسیر حرکتش به همچنین چیزی بود



رفت و رفت تا رسید به خشکی هایی که اروپایی ها تا الان ندیده بودن برای همین ابتدا فکر کرد به ژاپن رسیده ولی ما می دونیم امروزه اونجایی که بهش رسیده بود جایی بود که بهش میگن قاره آمریکا

البته یه چیزی رو اینجا بگم کلمب اولین نفری نبود که رسیده بود آمریکا

این که بگیم کلمب اولین کسی بود که این قاره رو کشف کرد حرف درستی نیست چون قبل از اون وایکینگ ها رفته بودن، گروهی از مسلمانان رفته بودن و شاید هم افراد دیگه هم بوده باشن که در این قاره قدم گذاشته بودن

جداً از اینها، قبل از اینکه سر و کله ی کلمب پیدا بشه بومی ها و افراد ساکن قاره آمریکا در اونجا زندگی میکردن!

پس کلمب قاره رو کشف نکرد نهایتاً برای عموم اروپایی ها که از وجود این قاره بی خبر بودن کشف کرد نه برای جهان به هر صورت توی مسیرش رسید به این قاره

و چه اتفاق هایی که تو این قاره نیفتاد میگی چه اتفاقی؟

وَنُزِيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ



اتحادیه
انجمن‌های
اسلامی
دانش‌آموزان

۱۳۵۸

تاریخ استعمار

قسمت دوم





خب داشتیم می گفتیم که شخصی به نام کلمب از طرف دربار اسپانیا به سمت غرب حرکت کرد و به یه قاره ای رسید که قبلش از اون مطلع نبودن
سریع هم پرچم اسپانیا رو زد و اونجا شد جزئی از قلمرو اسپانیا!!



زمین و بعضی نوزادان رو با مادرشون با شمشیر می کشتن...
خوب زهر چشم گرفتن تا کاملاً گوش به فرمان بشن
دیگه احتمالاً هیچ کدوم از ساکنان جزیره جرئت نمی کردن بهشون طلا ندن و یا معادن طلا رو نشونشون ندن!!!
اینجا تنها نمونه های خیلی کمی از وحشی بازی های استعمارگرا هست وگرنه اگه قرار بود همه ش اینجا گفته بشه باید این متن صدها، بلکه هزار صفحه می شد
کتاب هایی هستن که به این مبحث مفصل پرداختن... (می تونید برای اطلاع بیشتر کانال هیستوری در بله رو هم ببینید).

به امید رسیدن به چیزای بیشتر و سرزمین های جدیدتر این پیشروی ها بعد از کلمب هم ادامه پیدا کرد
در سال 1522 میلادی فردی به نام هرنان کورتز با حمله به آزتک ها، تمدن آن ها را از بین برد.



موقعیت مکانی این قوم یه همچین جایی بود

این عکس هایی که از اون موقع پخش میشه عموماً کارتونی و خوشگل موشگل هست
ولی حقیقت متأسفانه اینقدر کارتونی و جذاب نبود
کلمب و همراهانش فقط یه سری دریانورد ساده نبودن
وحشی های به تمام معنا بودن
نمونه ای از اقدامات کلمب و همراهانش اینه که وقتی رسیدند به جزیره اسپانیولا گاهی بعضی ساکنان رو به چوبی می بستن و اطرافشون آتش می کردن تا نعره و فریاد بزنن و آرام آرام بمیرن.
اسیراشون را توی آب غرق می کردن و دهن شون رو هم می بستن تا فریاد نکشن.
بچه های شیرخوار رو از مادرشون جدا کردن و از پا گرفتن و با سرکوبیدنشون

اوضاع تمدن تمدن مایا هم بهتر از این نبود و در نهایت اون ها هم به همین سرنوشت دچار شدن



در سال 1532 میلادی شخص دیگه ای به نام فرانسیسکو پیزارو با حمله به اینکاها تمدن آن ها را ویران کرد



در مجموع جنایات زیادی صورت گرفت که تنها بخش کمی به عنوان نمونه اشاره شد...

علاوه بر این یه مسئله دیگه هم اون موقع پیش اومده بود

وقتی پرتغال و اسپانیا افتادن روی دور این جور کارا، کم کم حس کردن ممکنه پرشون بگیره به هم

ممکنه سر مستعمرات دعواشون بشه یکی بگه اینجا مال منه، اون یکی بگه بیخود میکنی! مال منه...

خب اینجوری طبیعیه کار به جنگ بکشه دیگه

اون اوایل که پرتغال و اسپانیا حرکت های استعماری رو شروع کرده بودن جهت اینکه پرشون به همدیگه نگیره یه قراردادی بستن

پاپ یه خطی کشید روی نقشه دنیا گفت ناحیه شرقی این خط برای پرتغال و

موقعیت مکانی اینکاها هم یه همچین جایی بود (تقریباً در کشور پرو، در زمان ما)



استعمارگران و مستعمرات افزوده شد و طبیعتاً بر جنایت در مستعمرات نیز هم اون کشورهایی که هم قدرت دریایی داشتن و هم نظامی که باعث شد بیان رو دور استعمارگری اینا بودن: هلند، بریتانیا و فرانسه!

هلند خیز برداشت برای برخی نواحی کره زمین که از قضا مستعمرات پرتغال هم همون جاها بود و این اتفاق جالبی برای پرتغال نبود پس درگیر شدن

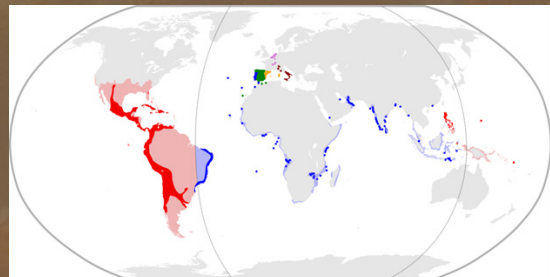
جنگ هاشون بالا پایین داشت و گاهی هم بینش وقفه می افتاد ولی روی هم رفته این کشمکش ها حدود 60 سال طول کشید!!!



در نهایت هلند در نواحی شرقی دست برتر رو پیدا کرد و پرتغال هم در نواحی غربی مستعمراتش یه جورایی بعد از این شکست نسبی از هلند، دیگه پرتغال نتونست به پیشروی هاش ادامه بده و ضعیف تر شد اما تا حدود قرن 20 هنوز مستعمراتی داشت اسپانیا هم تقریباً چهار یه همچین وضعیتی شد تا اواخر قرن 16 می تاخت اما بعد از اون با شکست هایی که از ناوگان دشمن خورد

ناحیه غربی این خط برای اسپانیا یه جورایی دنیا رو تقسیم کردن بین همدیگه انگار ارث باباشونه

این تقسیم بندی رو توی نقشه زیر می تونید ببینید (مستعمرات و پایگاه های استعماری پرتغال با آبی و برای اسپانیا با قرمز مشخص شده)



با این حال بازم با همدیگه درگیر میشدن یه جاهایی هم یواشکی دور از چشم همدیگه به قلمروهای اون یکی دست اندازی می کردن این درگیری ها کمتر نشد که هیچ تازه درگیری های بیشتری توی راه بود میگی کجا؟

اونجایی که یه سری دیگه هم اومدن به اینا گفتن بد نگذره! جهان رو تقسیم کردین و دارین می دوشین

تنها خوری خیلی حرکت با مرامی نیست!! ما هم میاییم!! جا باز کنین!!

خب البته اینا هم اگه جا باز کن بودن که از اول نمی رفتن جای بقیه مردم دنیا رو تنگ کنن و در مجموع این طور شد که بر



روند ضعفش شروع شد
اون دشمن جدید هم کسی نبود جز
بریتانیا
دیگه کم کم داشت به طور جدی وارد این
کارزار می شد
البته ظاهرا یه مقدار دیرتر از بقیه دست
جنبونده بود اما در قسمت های بعدی می
بینیم که اونقدر در استعمارگری پیشروی
می کنه که روی پیشکسوتان رو هم سفید
میکنه

یه بار کشتی های اسپانیا رو که در حال
آوردن طلا و نقره به سرزمین خودشون
بودن رو روی آب زدن و 20 تن طلا و نقره
ازشون دزدیدن... که البته خود اسپانیایی
هم اینا رو از جای دیگه دزدیده بودن...
دزد اسیر دزد می شد گاهی
به هر حال بریتانیا هم تلاش کرد یه
جاهایی از دنیا رو در اختیار بگیره
بیشتر سراغ نواحی شمالی و شمال شرقی
قاره آمریکا رفت یه مقدار هم در آسیا و
آفریقا کارهایی انجام میداد
در نواحی شمال شرقی قاره آمریکا سیزده
مستعمره نشین تشکیل داد و آدم های
خودش رو هم میفرستاد اونجا ساکن
بشن و اوضاع مستعمره رو کنترل کنن که
از دستش در نره

بله
شاید براتون عجیب باشه
اما آمریکا یه دوره ای مستعمره بریتانیا
بود
بریتانیا خودش رو گسترش داد و
مستعمراتی برای خودش دست و پا کرد
اما اواخر قرن 18 یه اتفاقی افتاد
مستعمره نشینان آمریکا که درواقع
تعداد قابل توجهی از اونها، بریتانیایی
هایی بودن که فرستاده بودنشون توی
مستعمرات، به دلیل نارضایتی از حکومت
مرکزی اعلام استقلال کردند و دست به
شورش زدند و از بریتانیا جدا شدند



این سیزده مستعمره نشین رو جایی
تشکیل داد که امروزه بهش میگن کشور
ایالات متحده آمریکا

در مجموع سرنوشت استعمارگری این کشورها بدین صورتی گذشت: پرتغال و اسپانیا در قرن 15 شروع کردن در قرن 16 اوج گرفتند و از قرن 17 به بعد روند ضعف شون شروع شد و تا قرن بیستم به کلی تمام مستعمرات رو از دست دادن نقشه مستعمرات پرتغال (در مساحت حداکثری) رو در تصویر زیر می تونید ببینید



نقشه مستعمرات اسپانیا (در مساحت حداکثری) رو هم در تصویر زیر می تونید ببینید



هلند در اواخر قرن 16 کار رو شروع کرد و در اواخر قرن 17 روند ضعفش شروع شد و مثل بقیه تا قرن 20 تمام مستعمرات رو از دست داد. نقشه مستعمرات هلند رو در حداکثر مساحت اینجا می تونید ببینید (البته بر همه این خشکی ها به صورت همزمان مسلط نبوده... محدوده زمانی

خیلی جالبه خود برتانیا یی ها که بخشی شون یه مقدار در حالت مستعمره قرار گرفتن نتونستن حکومت مرکزی خودشون رو تحمل کنند و جدا شدند

و نکته جالب دیگه اینه که خود آمریکا که حرکت ضد استعماری کرد و به این تاریخ استقلال طلبی خودش هم افتخار میکنه، این حرکت های استقلال خواهانه رو بعدها در کشورهای دیگه سرکوب یا توسط رسانه ها تحقیر میکنه تاریخ کشورها از جمله آمریکا نشون میده که لازمه پیشرفت یک کشور استقلال پیدا کردنش هست

به همین علت به شدت با استقلال ملت های دیگه مخالف هست و تا جایی که زورش برسه تلاش میکنه اون استقلال طلبی رو با اقدام نظامی یا کودتا سرکوب کنه یا توسط رسانه ها تحقیر کنه و استقلال رو چیز بدی جا بزنه و گرنه باید قید استعمارگری و کسب سود و ثروت زیاد رو بزنه!

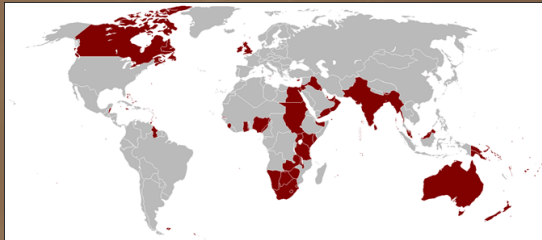
تازه وارد بعدی فرانسه بود که کمی در موردش قبل تر توضیح دادیم فرانسه هم یه حرکت هایی انجام داد توی آمریکای شمالی، توی آسیا و جاهای دیگه

فرانسه هم درگیر یک سلسله جنگ هایی با بریتانیا شد که جنگ های هفت ساله یه قلم از این سری جنگ ها بود در این جنگ ها هم ورق به نفع بریتانیا برگشت و فرانسه بخش قابل توجهی از مستعمراتش رو واگذار کرد

شون رو جلوشون نوشته)



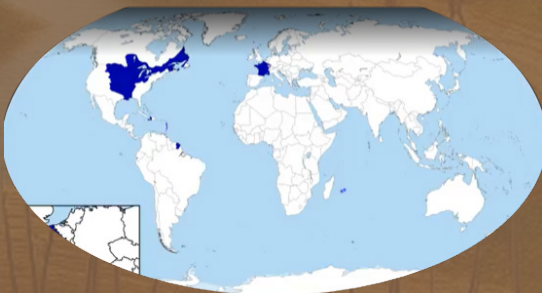
ترو بی رحمانه تر از قبل...
نقشه ش اینجاست (حدود یک چهارم
خشکی های جهان!!!)



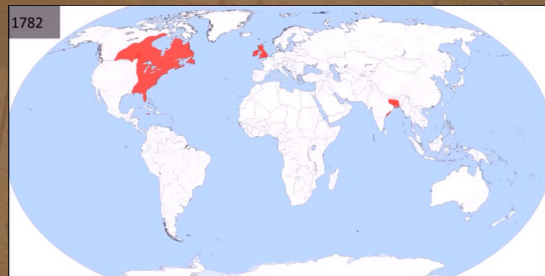
ممکنه بپرسین چرا این کشورها تا قرن 20
تمام مستعمراتشون رو از دست دادن
مگه توی قرن 20 چه اتفاقی افتاده بود؟
توی قسمت های بعدی میگم بهت
در مورد پرتغال و اسپانیا و هلند صحبت
کردیم اما با بریتانیا و فرانسه کار داریم
هنوز!!!

فرانسه هم یه همچین حالتی داشت
از اوایل قرن 17 شروع کرد و حدودا تا نیمه
قرن 18 ادامه داد
بعدش در یک سری درگیری ها چند
شکست خورد و طی قراردادهایی
مستعمراتش رو داد به طرف پیروز جنگ
واگذار کرد

نقشه مستعمرات فرانسه قبل از واگذاری
این تصویر هست



چون بر خلاف اونای دیگه، اینا توی قرن 19
روند استعماری شون اوج بیشتری میگیره
بریتانیا از اوایل قرن 17 شروع کرد و تا قرن
18 مستعمرات خودش رو افزایش داد اما
گستره مستعمراتش خیلی زیاد نشد
ضمن اینکه این وسط یه اتفاقی افتاد
که این اتفاق بخشی از مستعمراتش رو
از دستش خارج کرد... اونم همونطور که
قبلا گفتم استقلال آمریکا بود
این نقشه مستعمرات بریتانیا تا قبل از
استقلال آمریکاست

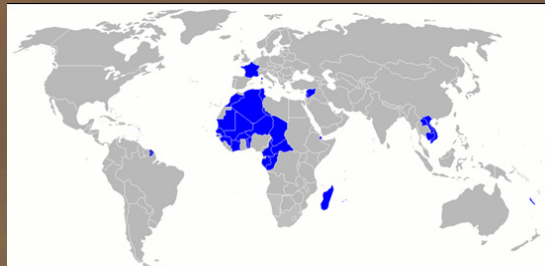


این وسط در اواخر قرن 18 انقلاب فرانسه
هم رخ داد
اما در نهایت انقلاب فرانسه هم به
اهدافش نرسید و مجددا حکومت قبلی
برگشت

اما خیز بعدی امپراتوری بریتانیا در حدود
اوایل قرن 19 شروع شد... بسیار گسترده

آیا مغلوب شدنش کشته های بیشتری رو
دستشون نداشت؟!؟
قیام نکردن بهتر بود یا قیام کردن؟!
کدوم درد کمتری داشت؟!
این صفحات تاریخ آدم رو به طور اساسی
به فکر فرو میبره
ای کاش آفریقا رهبری قوی و خیرخواه
داشت... خودش هم قوی میشد و قیام
می کرد...
ای کاش به هر قیمت و فداکاری که شده
نمی داشت اصلا پای استعمارگرا به
کشورها و قاره شون باز بشه
و هزاران ای کاش و آرزو برای همه ملت
های دیگه که تحت ظلم و غارت و استعمار
قرار گرفتن
صحبت بردگی شد
قسمت بعد از ماجراهایی که بر بردگان
گذشت خواهیم شنید
ماجراهای جالبی نیستن
شاید همه ماجراها رو دونه به دونه
براتون نگم... اذیت کننده و دردآور
هست... فقط بعضی شو میگویم...

خیز دوم استعماری فرانسه از دهه
سوم قرن 19 شروع شد و در ادامه به یه
همچنین چیزی تبدیل شد



این طور شد که در قرن 19 بریتانیا تبدیل
به قدرت اول استعماری شد و اونقدر
گسترش پیدا کرد که به قول خودش
خورشید بر سرزمینش غروب نمی کرد
فرانسه هم با گسترش مستعمرات در
جایگاه دوم قرار گرفت
اگر به نقشه های صفحه قبل نگاه کنید
می بیند دور جدید استعماری این دو
کشور بیشتر در قاره آفریقا هست
و بیچاره آفریقا
حالا فهمیدید چرا در آفریقای ثروتمند باید
این همه فقر و گرسنگی و سوء تغذیه و
مرگ و میر بود؟!؟!
بله... این ها سوغات استعماری کشورهای
باکلاس هست!
ای کاش آفریقا آن زمان تلاش می کرد
قوی می شد
ای کاش قیام می کرد
قطعا هزینه می داد
قطعا کشته می داد
اما به نظرتون نمی ارزید؟!
مگه اون زمان که استقلال خواهی نکرد و
قیام نکرد، کشته نداد؟
به بردگی و فقر و غارت دچار نشد؟!؟



تاریخ استعمار

قسمت سوم





جنایت های استعمار رو گفتم
اینکه سرزمین ها رو گرفتن
ساکنانش رو نسل کشی کردن
غارت و تجاوز کردن
به انواع مریضی ها مبتلاشون کردند
اما فقط اینا نبود
یه جنایت دیگه ای هم در کارنامه
درخشان شون داشتن
اونم تجارت برده و برده داری بود
نقشه سرزمین ها و مستعمرات رو توی
قسمت قبل دیدیم...
استعمارگرا برای سود و ثروت و منابع و
موقعیت خوب به این سرزمین ها هجوم
بردن و مسلط شدن
خب حالا یه سوال پیش میاد
این همه زمین... کی می خواد بکاره و درو
کنه؟
این همه معدن... کی می خواد استخراج
کنه؟
این همه کارگاه... کی می خواد توش کار
کنه؟
این همه وسیله و مصالح... کی می خواد
حمل و نقل شون کنه؟
همونطور که حدس میزنید به این
سوالات یه پاسخ بدی دادن...
برده ها!
نیروهای رایگان یا کم خرجی که به اسارت
در میان و مجبور به انجام کارای مختلف
میشن
سود حاصل از خرید و فروش برده ها هم
که به جای خود!
اینکه چرا یه عده برده میشدن دلایلش
حالا تا حدی روشن شده برات
توی قسمت اول یادته گفتم شکل گرفتن

استعمار سه شرط داره
یکی سود بردن از مستعمره یکی زور و
غلبه استعمارگرو یکی بی وجدانی
تقریبا همین سه دلیل هست که برده
داری رو هم شکل میده
جریان استعمار بعد از تصاحب زمین ها
و معادن و چیزای دیگه نیاز به نیروی کار
داره
حالا این نیروی کار اگه رایگان و کم خرج
باشه که چه بهتر
اینجوری ثروت بیشتری جمع میکنه
جریان استعمار زور هم باید داشته باشه
تا به یه عده مسلط بشه و اونا رو به
بردگی بکشه
بی وجدان هم باید باشه و دین و
انسانیت هم نداشته باشه وگرنه اگه
کسی دین واقعی و انسانیت و وجدان
داشته باشه دست به همچین کاری می
زنه؟!؟!
به مدل های مختلفی انسان ها رو شکار
می کردن و به زنجیر بردگی می کشوندن
مثلا یه کلبه وسط جنگل بوده می رفتن
میزدن به کلبه و اونایی که زنده می
موندن رو کت بسته می بردن
یا وقتی در یه منطقه ای پدر و مادر می
رفتن سرزمین هاشون برای کار، بچه
ها رو تنها گیر میاوردن و سریع می
دزدیدنشون و به عنوان برده می بردن
شون برای فروش
غالباً برده ها رو سیاه پوستان قاره آفریقا
و سرخ پوستان قاره آمریکا تشکیل می
دادن

گاهی جنگ به نفع استعمارگران هست طبیعی که در این موارد کاری کنن که این جنگ ها و اختلافات ادامه پیدا کنه و سود بیشتری نصیبشان شود همونطور که گفتم بردگی فقط برای آفریقا نبود

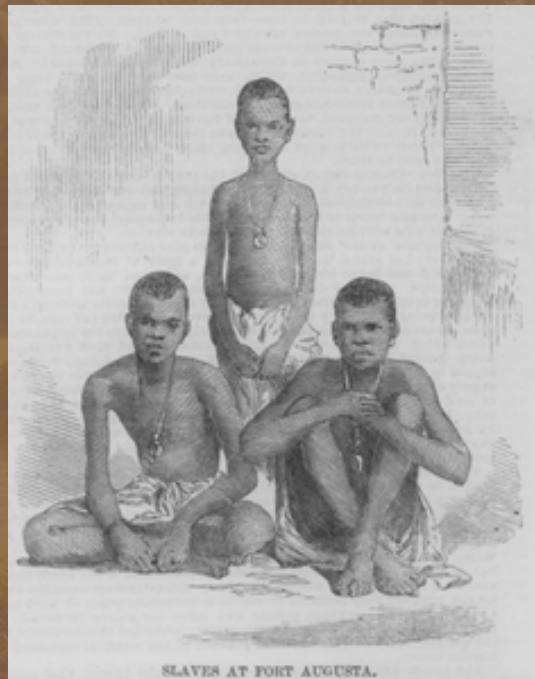
توی قاره آمریکا هم به زور اسلحه سرخپوست ها را واردار به کار در مزارع می کردن و بیگاری می کشیدن از شون مواقعی هم برای امتحان کردن تیزی شمشیرها شون روی بدن سرخپوست ها می کشیدن یا اون ها رو می کشتن نسل کشی عجیبی رو برای سرخپوستان و سایر ساکنان قاره آمریکا رقم زدن از زمان ورود استعمارگران به قاره آمریکا حدود 55 میلیون از ساکنان این قاره کشته شدند یعنی چیزی نزدیک به 90 درصد جمعیت شون!

نفس عمیییییییق

شاید تصویری که رسانه ها برای ما از ساکنان آمریکا ساختند یه عده انسان وحشی غیر متمدن بی لباس زبون نفهم باشه

شاید اینجوری نشون میدن که کشتار شون توجیه بشه، کم ارزش بشن و کشتن شون چندان ناراحت کننده نباشه ما هم طرفدار استعمارگرا باشیم و ممنون اونها که دمتون گرم اینا رو از روی زمین برداشتین!

اما همونطور که گفتم اصل اینطور نبود که اینها همه شون یه عده آدم این شکلی باشن و کلا انسان های غیر متمدن باشن تمدن داشتن، معماری های عجیبی داشتند... که اگر نداشتند هم باز مجوزی



استعمارگران گاهی خودشون برده ها را به چنگ می آوردن و گاهی هم از طریق معامله با قبایل آفریقا

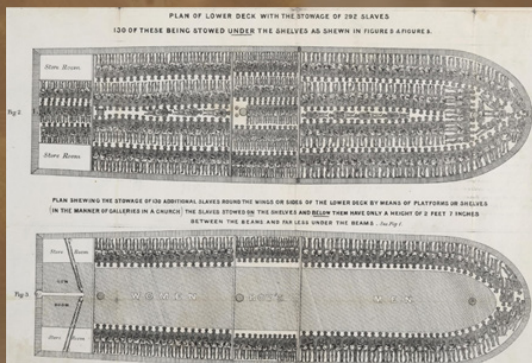
قبایل آفریقایی که گاهی با هم درگیر می شدند افراد قبیله شکست خورده رو اسیر می گرفتن و به عنوان برده می فروختن این هم راهی بود برای به دست آوردن و تجارت برده ها

این جنگ های بین قبایل به نفع استعمارگران و تاجران برده بود

رو طی می کرد و آگه نمی تونست بازم باید به هر سختی ادامه می داد چون نگهبان با کشتن بچه بارش رو سبک می کرد!!

و حالا کسانی که در این مسیر دوام می آوردن و به ساحل می رسیدن تازه باید خوشون رو آماده یه سفر هولناک دریایی می کردن

در کشتی ها برای اینکه بتونن برده های بیشتری رو حمل کنن طبقات کم ارتفاعی در کشتی ساخته بودن که برده ها رو به صورت خوابیده توی اونا جا میدادن طوری که حتی امکان نشستن هم نداشتن



تهوع ناشی از سفر دریایی، گرما و عرق و بوی دفع فضولات فضا رو مسموم می

برای این نسل کشی هولناک نبود! در ابتدای ورود حتی بعضی ساکنان این قاره به استقبال کشتی ها و تازه وارد ها می رفتن اما در نهایت استعمارگران تمدن وحشی و طمع ورزی خودشون نسبت به ثروت رو نشون دادن و در مقابل این مهمان نوازی نسل کشی و برده داری و غارت رو رقم زدن داشتیم می گفتیم که یکی از روش ها برای به دام انداختن انسان ها این بود که با شبیخون و حمله غافلگیرانه تعدادی رو به عنوان برده اسیر می کردن حالا باید اینها رو می بردن ساحل و طی یه معامله می فروختن به کشتی های حمل و تجارت برده

گاهی مسیر حرکت شون تا ساحل، از دل جنگل ها می گذشت تقریباً از همون اوایل دستگیری بردگی و بیگاری کشیدن شروع می شد برده ها را به هم زنجیر می کردن و بارهایی مثل عاج، طلا یا چیزای دیگه رو روی دوششون می داشتن که حمل کنن و بفرن سمت ساحل

سر و تن هاشون کثیف می شد... شلاق نگهبان ها بدن شون رو زخمی می کرد و گاه مگس ها از خون این زخم ها تغذیه میکردن و این دردشون رو بیشتر می کرد اگر کسی توان ادامه دادن نداشت و نمی تونست بار رو حمل کنه و راه بیاد چاره ای نداشت جز این دو راه، یا ادامه بده یا بمیر اگر به حدی مریض میشد که دیگه نمیشد ادامه بده با یک نیزه کارش را تمام می کردن گاه زنی با فرزندش در بغل، باید این مسیر

داره که لکه ننگ ابدی برای گذشتگان و ادامه دهندگان امروزی هست این ها فقط یه گوشه کوچیکی از داستان برده ها بود (برای مطالعه بیشتر می تونید رجوع کنید به کتاب شکار انسان) همه ش نه در این مختصر جا میشه و نه آدم دلش میکشه بیان کنه!

برده ها همچنان سختی می کشیدن و به سختی به این وضع ادامه میدادن (اگه زنده می موندن البته!)

اما مگه این وضع قابل تحمل بود؟! کم کم برده ها دست به قیام زدن گاه این قیام ها ناموفق بود و برده ها مجازات سختی می شدن اما این موج شروع شده بود و این قیام ها حتی زمانی که سرکوب میشد در تقویت این موج تاثیر می داشت و حتی برای گروه های دیگه بردگان هم الهام بخش بود و اونا هم تشویق می شدن این کار رو بکنن در نهایت این قیام بردگان در یک نقطه جواب داد و هابیتی اعلام استقلال کرد این استقلال خواهی و جانفشانی برده ها بود که سرانجام اونها رو آزاد کرد

سرانجام بین استعمار و استقلال، دومی رو انتخاب کردن و در نهایت علی رغم شکست ها و فراز و نشیب ها، موفق شدن

کم کم این قیام ها داشت دردسر میشد با تغییرات اقتصادی و شیوه های تولید، برده داری این شکلی سودآور نبود همچنین رفته رفته افراد بیشتری داشتن به این باور میرسیدن که برده ها هم انسان هستن!!!

و نکته مهم دیگه اینکه همونطوری

کرد و میکروب و ویروس هم توی اون فضا شیوع پیدا می کرد

گاهی اجازه میدادن مدت کوتاهی برده بیان روی عرشه کشتی برای هواخوری... بعضی برده ها از همین فرصت استفاده می کردن و برای رهایی از رنج هاشون به می پریدن توی دریا

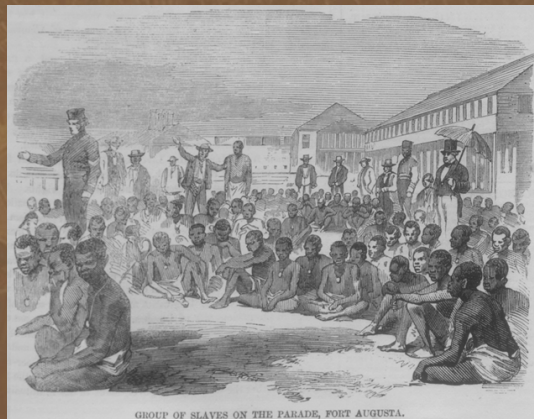
حالا حساب کنین در یه همچین شرایطی چقدر می تونستن توی یه سفر اقیانوسی که روزها و ماه ها می تونه طول بکشه دوام بیارن؟

به همین علت تا به مقصد و بازار برده فروش ها برسن یه تعدادی شون دوام نمی آوردن و از دنیا می رفتن

و تازه اگر این سفر اقیانوسی هولناک رو رد می کردن حالا می رسیدن به مقصد

جایی که باید خودشون رو برای بیگاری و کارهای سخت در معادن و مزارع و جاهای دیگه آماده می کردن!!

جایی که در صورت کم کاری یا نافرمانی با شکنجه و مجازات هایی بی رحمانه مواجه می شدن



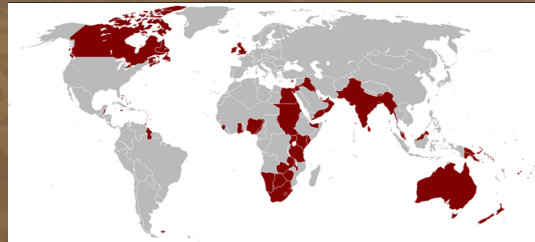
تاریخ برده داری این موجودات با کلاس و استعمارگر به قدری صحنه های دلخراش

پوشش های زیبا اغراض پلید خودشون رو دنبال می کنن
این یه داستان تکراری هست که با شعار حقوق بشر، آزادی، صلح، حقوق زنان و چیزای دیگه اهداف استعماری خودشون رو دنبال می کنن
این داستان تکراری هست که در گذشته اتفاق می افتاد و هنوزم جریان داره البته بعد از قانون ممنوعیت تجارت برده عده ای از برده داران و تاجران برده اعتراض کردن و درخواست غرامت و خسارت کردن! چون این قانون براشون ضرر مالی داشت
چند وقت پیش پیامی از وزارت خزانه داری انگلیس در شبکه های اجتماعی منتشر شد



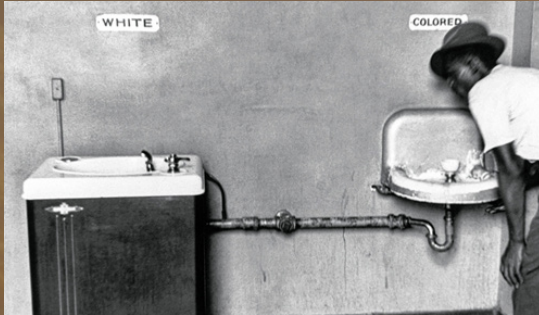
در این پیام وزارت خزانه داری میگه ما اومدیم برای آزادی بردگان اینقدر غرامت و خسارت پرداخت کردیم و بازپرداخت این مبلغ آنقدر زیاد بود که تا سال 2015 پرداختش ادامه داشت!
بعد از این پیام یه موجی از واکنش ها شکل گرفت که به برده داران خسارت

که توی قسمت دوم این متن دیدید از اواخر قرن 18 به بعد بیشتر مستعمرات امپراتوری بریتانیا در قاره آفریقا بود و حالا به نفع استعمار بریتانیا بود که نیروی کار ارزان از آفریقا خارج نشه!
نقشه ش رو که یادته توی قسمت دوم نشونت داده بودم



پس دیگه نیازی نبود برده ها رو از آفریقا بگیرن و ببرن توی قاره آمریکا بفروشن به همین علت تجارت برده دیگه مثل قدیم برای بریتانیا سودمند نبود و بلکه یه جورایی ضرر هم داشت و بریتانیا نیاز به نیروی کار ارزان در همان آفریقا داشت نه در قاره آمریکا که یکی یکی داشتن از حکومت های استعماری اعلام استقلال می کردن و جدا می شدن
اومد یه حرکت جالبی زد!
به بهانه انسان دوستی و حقوق انسان ها و برابری و اینجور چیزا تجارت برده رو ممنوع اعلام کرد!
دقت کنید برده داری رو ممنوع نکرد، خرید و فروش برده رو ممنوع کرد حتی در دریاها و امیستاد و کشتی ها رو بررسی می کرد که یه وقت بر خلاف قانون بریتانیا حمل کننده برده نباشن
بله
این یه داستان تکراری هست که استعمارگرا هر جا به نفع شون باشه در

برای نمونه در این تصویر محل آب خوری رنگین پوست ها و سفید پوست ها که از هم جدا شده بود رو می بینید



یا در این تصویر سرویس بهداشتی آقایان و خانم ها از سرویس بهداشتی رنگین پوست ها جدا شده



این پدیده هنوز هم دامن گیر بعضی کشورها از جمله آمریکا هست و هر از گاهی جنبشی در مقابله با نژادپرستی و رفتارهای تبعیض آمیز شکل میگیره توهین های نژادپرستانه به اورلین شوامنی و کینگسلی کومن، دو بازیکن سیاه پوست تیم ملی فرانسه بعد از از دست دادن پناالتی های خود در دیدار نهایی جام جهانی ۲۰۲۲ یه نمونه از این موارد هست یا توهین های نژادپرستانه به بوکایو

دادید؟!؟!!

الان این چیزیه که بهش بشه افتخار کرد؟ سوال های دیگه ای هم برای آدم ایجاد میشه

الان اونای باید خسارت بهش بدیم برده ها هستن یا برده داران؟؟
کدوم شون زجر کشیدن؟
کدوم شون خسارت کردن؟
کدوم شون عمر و زندگی و جسم و جان و جوانی شون به غارت رفت؟
به کدوم شون ظلم شد؟!
به ظالم ها دارید خسارت می دید؟
کار دنیا برعکس شده
اومده بودن با این پیام لطف شون رو به رخ دنیا بکشن بیشتر ظلم شون آشکار شد

به هر حال برده داری به شیوه قدیمی منسوخ شد

البته نه به طور کلی... هنوز هم در نقاطی از دنیا به همین شیوه برده داری می شه اما به اندازه گذشته عمومیت نداره اما مگه میشه اسیر کردن انسان ها برای افزایش سود و بهره وری پایان پیدا کرده باشه؟

به نظر شما برده داری جدید بیشتر به چه صورتی هست؟ جای تفکر داره...

برده داری آثار بدی از خودش به جا گذاشت که یکی از اونها نژادپرستی بود به هر حال وقتی یک مدت سفیدپوست بررنگین پوست ها مسلط بودن و هر طور دلشون می خواست باهاشون رفتار می کردن کم کم این حس ایجاد شد که سفید پوست ها از رنگین پوست ها برتر هستند

استعمار علاوه بر جنایت در حق ساکنان مستعمرات و برده داری، آثار بدی دیگر ای هم در زمینه اقتصادی و فرهنگی برای کشورهای مستعمره به جا گذاشت آثاری که تا به امروز برای برخی مستعمرات باقی مونده... توی قسمت بعد میگم بهت

ساکا، مارکوس راشفورد و جیدون سانچو سه بازیکن تیم ملی انگلیس که در دیدار نهایی یورو 2020 موفق نشدن پناالتی هاشون رو گل کنن نمونه ی دیگه ای از این موارد هست
انتقاد به یه بازیکن با توهین های نژادپرستانه فرق میکنه
برده داری صحنه های کثیف دیگه ای رو هم ایجاد کرد
مثلا یه مدت هم بعضی برده ها رو توی یه مکانی نگه می داشتن بقیه بیان نگاشون کنن... اسمشم گذاشته بودن باغ وحشهای انسانی!!!
انگار برده ها رو حیواناتی شبیه انسان می دونستن!
مردم هم میومدن نگاه می کردن از لای قفس و دور حصار! بهش واکنش نشون میدادن یا حتی غذا می ریختن!
نمونه ش رو توی این تصویر می تونید ببینید



اینهایی که گفته شد تنها بخش اندکی از آنچه بود که بر بردگان گذشت... اندک که چه عرض کنم... خیلی اندک
داستان ها و ماجراها بیشتر از اینها بود



اتحادیه
انجمن های
اسلامی
دانش آموزان
استان
گلستان

ویژه
دوازدهمین
دوره برگزاری
نمایشگاه های
دانش آموزی

